

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)  
علمی - پژوهشی  
سال یازدهم - شماره اول - بهار ۱۳۹۷ - شماره پیاپی ۳۹  
سیر تحول ساختارهای ربطی با حروف «اگر، مگر که و اگر نه» تا قرن هفتم  
به منظور تشخیص سبک متون منثور در قرون مختلف  
(ص ۹۹-۱۱۲)

منوچهر اکبری<sup>۱</sup>، مریم دقیق احمدی (نویسنده مسئول)<sup>۲</sup>، امید مجد<sup>۳</sup>  
تاریخ دریافت مقاله: پاییز ۱۳۹۵  
تاریخ پذیرش قطعی مقاله: پاییز ۱۳۹۵

### چکیده

گام نخست در فهم و بررسی میراث ادب فارسی، شناخت ویژگیهای زبانی متون است. حروف در ساختمان جمله به عنوان بزرگترین واحد زبانی، گاه نقش پیوند و وابسته سازی دارند؛ خصوصاً در جمله های مرکب، کارکرد ویژه ای دارند. این مقاله با بررسی حروف ربط «اگر، اگر نه و مگر که» نشان داده است که حروف ربط «اگر» و «و اگر نه» سه نوع ساخت داشته اند که زمان فعل در هر کدام متفاوت بوده است. همچنین پیوندهای ربطی مانند «اگر...تا»، «اگر...باری»، «اگر...اگر نه»، «مگر...اگر نه» و... در متون منتخب نثر تا قرن هفتم هجری، وجود داشته اند که هر یک کارکرد خاصی داشتند و معنای متفاوتی را میرساندند. بعضی از آنها در طول زمان باقی مانده و بعضی جایگزین گروه دیگر با معنایی نزدیک به آن شده و گروهی هم از میان رفته اند. میتوان از این دست پژوهشها در تعیین تقریبی زمان آثار و غنی تر کردن زبان فارسی معاصر بهره برد.

**کلمات کلیدی:** آثار نثر فارسی، دستور زبان تاریخی، جمله مرکب، حروف ربط، وجه فعل.

---

۱. استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران [makbari@ut.ac.ir](mailto:makbari@ut.ac.ir)

۲. دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران [m.daqiqahmadi@yahoo.com](mailto:m.daqiqahmadi@yahoo.com)

۳. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران [majdomid@ut.ac.ir](mailto:majdomid@ut.ac.ir)

### مقدمه

حروف، یکی از مباحث دستوری است که به تحقیق و نگاه نو دستوری نیازمند دارد. در زمینه معانی مختلف حروف ربط علاوه بر فرهنگ‌های لغت، تحقیقات نزدیک به جامعی در کتاب‌های دستور زبان تاریخی صورت گرفته است. ناتل خانلری درباره معانی بعضی از حروف ربط مانند «اگر، تا، بیک، سپس و...» و صورتهای ترکیبی و گاه زمان به کار بردن آنها نکاتی را یاد آور شده اند. (تاریخ زبان فارسی، ناتل خانلری، ج ۳) خطیب رهبر به طور مفصل درباره معانی مختلف حروف ربط تحقیق کرده اند. (دستور زبان فارسی، خطیب رهبر) فرشیدورد نیز درباره حرف و گروههای ربطی، معانی حروف ربط، ساختارها و ملاحظات تاریخی آنها در کتاب خود مطالبی بیان کرده است. (دستور زبان مختصر تاریخی زبان فارسی، فرشیدورد) ابوالقاسمی نیز سیر تاریخی حروف ربط از دوره باستان و فارسی میانه و نکاتی اجمالی از بعضی حروف ربط و معنای آنها در فارسی دری آورده است. (دستور تاریخی مختصر زبان فارسی، ابوالقاسمی) ماهیار نوابی هم درباره معنی حرف استثناء «مگر» مقاله تحقیقی و عالمانه ای دارد. (مجموعه مقالات، ماهیار نوابی) هرچند تحقیقات بسیاری در معانی حروف ربط و شیوه‌های درست خواندن آنها به نگارش در آمده، اما درباره ساختارهای جملات مرکب و پیوندهای ربطی در دستور زبان تاریخی، تحقیقی جامع و اقناع‌کننده صورت نپذیرفته است. این گونه تحقیقها، میتواند ظرفیتهای زبان فارسی را نشان دهد و نیز با شناخت بهتر زبان، پژوهشگران را در تحلیل درست آن یاری میرساند. همچنین در تعیین زمان تقریبی آثاری که زمان تألیف آنها مشخص نیست، احتمالاً به کار می‌آید. در این مقاله، حروف ربط «اگر، وگرنه و مگر این که» و ساختار جملاتی که با این حروف ربط ساخته شده اند از نظر معنایی و ساخت، در متون نثر برگزیده فارسی تا قرن هفتم مورد بررسی قرار گرفته اند. در پایان لازم به ذکر است که در نمونه‌های متنی، این مقاله از رسم الخط چاپی آثار پیروی کرده است.

### حرف ربط

در این مقاله حروف ربط وابسته ساز «اگر» و «و اگر نه» مورد بررسی قرار گرفته اند. پیوندهای ربطی وابسته ساز، جمله مرکب میسازند. همچنین حرف «اگر نه» حرف ربط در معنای استثناء است که جمله همپایه میسازد. در تعریف حرف ربط همپایگی میتوان گفت:

« که کلمه یا گروه یا جمله واژه ای را همسان و همپایه کلمه یا گروه یا جمله واژه دیگر میکند یا عبارت دیگر دو یا چند جمله واژه یا کلمه یا گروه را در یک وظیفه دستوری شریک میسازد، یعنی اگر کلمه یا گروهی فاعل باشد، همپایه آن نیز فاعل و اگر مفعول باشد، همپایه اش نیز مفعولست و غیره» (دستور زبان مختصر تاریخی زبان فارسی، فرشیدورد: ص ۵۲۷)

حرف ربط «اگر»

سیر تحول ساختارهای ربطی با حروف «اگر، مگر و اگر نه» تا قرن هفتم به منظور تشخیص سبک متون منثور در قرون مختلف/۱۰۱

جملات شرطی که با حرف ربط «اگر» ساخته میشوند، ساختهایی متنوع دارند که هر ساختار با توجه به زمان و وجه افعال جمله ها، معنای متفاوتی را میرساند.

۱. ساختار شرطی تحقق پذیر که آن، فرضی است که ممکن است در زمان آینده اتفاق بیفتد. زمان فعل این جمله ها مانند امروز، حال التزامی است ولی در گذشته به دو طریق التزامی میساختند:

۱.۱. مانند امروز از «ضمیمه تصریفی فعل + بن مضارع + شناسه» ساخته می شده است. البته تکواژ تصریفی «ب» بر سر فعل گاه حذف میشود:

اگر این خلق را بیافریند و این زمین او را دهد، من این زمین ازو بسـتـانم و با او حرب کنم.  
(تاریخ بلعمی، بلعمی: ص ۶۹)

آنگاه اگر کونین اندر پله ترازوی وی نهند، پدیدار نیاید. (کشف المحجوب، هجویری: ص ۲۴)  
۱.۲. در قرن چهارم این ساخت التزامی از «بن مضارع + شناسه + ضمیمه تصریفی ی» ساخته می شده:

اگر چیزی غیر از آن در دست دارمی، از سر پای بیندازمی. (نفثه المصدور، نسوی: ص ۱۰۵)  
اگر دین گریبانگیر ایشان گرددی، تصرف بهتر از این کنندی. (کشف المحجوب، هجویری: ص ۲۴)

از قرن پنجم به بعد ساخت آن از فعل در زمان حال اخباری است (دستور توصیفی بر اساس واحد های زبان فارسی، وفایی، ص ۱۵۶) و از «ضمیمه تصریفی می + ستاک حال + شناسه» میساختند<sup>۱</sup>  
اجتهاد چیزی است که اگر خطا می افتد، از ثواب حرمان نمی دهد. (راحة الصدور و آیه السرور، راوندی: ص ۱۶)

تا قرن پنجم فعل در جمله هسته و وابسته هر دو در حالت التزامی بکار میرفتند ولی رفته رفته از زمانهای دیگر هم استفاده میکردند:

اگر فردا از من زر طلب خواهی کرد، خیز. (ا سرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید، محمد بن منور: ص ۱۷۲)

اگر کرد، دید و چشید. (تاریخ بیهقی، بیهقی: ص ۲۷۷، ۱)

---

۱. «ی» یا «می» طبق نظر دکتر فرشید ورد در اینجا نشانه وجه التزامی است. (فعل و گروه فعلی تحول آن در زبان فارسی، فرشید ورد: ص ۳۴۹) و یکی از عناصر عمده دستوری زبان فارسی دری کهنست. در قرن چهارم و پنجم رایج است و تنها به ماضی نمیچسبد بلکه به مضارع نیز ملحق میشود و حتی با زمانهای کامل (ماضی بعید و ماضی نقلی و ماضی التزامی ...) بکار میرود (دستور زبان مختصر تاریخی زبان فارسی، فرشید ورد: ص ۱۹۵)

بعد از قرن ششم تنوع زمان افعال کم میشود و باز فعل در جملات هسته و وابسته به شکل التزامی به کار میرود. از این قاعده، تنها فعل « است » مستثنی است که گویا در گذشته شکل التزامی از نوع شرطی تحقق پذیر، نداشته است:

دعای ستم رسیده رد نکنم، اگر همه کافر است. (تاریخ بلعمی، بلعمی: ص ۲۵۲)

صبح در این واقعه هائل اگر جامه دریده است، صادقست. (نفثه المصدور، نسوی: ص ۴۸)

۲. ساخت جمله شرطی که احتمال وقوع در زمان حال وجود ندارد و صرفاً نوعی آرزو است. این ساختار شبیه ساختار جملاتی است که درباره خواب و رؤیا به کار میرفت که در قرن چهارم از « بن ماضی + شناسه + ضمیمه تصریفی ی » میساختند:

اگر تو فرزند آدم بودی، ترا نیز مرگ و بیماری بودی. (تاریخ بلعمی، بلعمی: ص ۱۳۱)

گفتند آن مصلی در مصر به سی دینار زر مغربی خریده اند، که اگر آن مقدار دیبای رومی بودی،

بدان بها نیرزیدی. (سفرنامه ناصر خسرو، ناصر خسرو: ص ۵۹)

از قرن پنجم ساختار حال اخباری نیز استفاده میشود:

اگر این علامات که یاد کردی معین عدل و دلیل صدق **میتواند بود**، ... پس جهانیان در همه

معانی از حجت فارغ آمدند. (کلیله و دمنه، نصرالله منشی: ص ۱۴۸)

از این نوع شرطی که فعل آن در زمان گذشته است برای اتفاقی که **اکنون** عملی نیست بهره

میبردند و فعل ماضی به کار میبردند تا بر **تحقق ناپذیری** آن تأکید کنند:

کجا اند آن چنان نابینایان گم گشته تا اگر دریشان درد طلب بینایی باقی **بودی** به تأیید ربانی به

اندکی روزگار به دستکاری طریقت، سبل خودبینی از چشم حقیقت بین ایشان برداشته **شدی** به

شرط تسلیم، تا از نابینایی « صم بکم عمی فهم لا یعقلون » (بقره/۱۷۱) خلاص **یافتندی**، بعد از آن

همه لاف « لو کشف الغطاء ما ازددت یقیناً » **زدندی**. (مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد، نجم رازی

: ص ۳۲)

برای فعل « است » در این نوع شرطی، به فعل، ضمیمه تصریفی « ی » می افزودند.

اگر حرمت این مجلس عالی **نیستی**، جواب این شمشیر **باشدی**. (تاریخ بیهقی، بیهقی: ص ۴۵۹)

ص ۴۵۹)

گر مرا هزار **جانستی** و بدانمی که در سپری شدن آن ملک را فایده است و رای او را بدان میلی،

در یک ساعت بترک همه بگویمی و سعادت جهان دران شناسمی. (کلیله و دمنه، نصرالله منشی: ص ۱۳۹)

ص ۱۳۹)

سیر تحول ساختارهای ربطی با حروف «اگر، مگر و اگر نه» تا قرن هفتم به منظور تشخیص سبک متون منثور در قرون مختلف/۱۰۳

۳. ساخت جمله شرطی که در معنای عدم امکان وقوع یک فعل در زمان گذشته است و از « بن ماضی + شناسه + ضمیمه تصریفی ی » و یا از « ضمیمه تصریفی می » + بن ماضی + شناسه « ساخته میشود، البته گاه در معنی شرطی که اکنون احتمال وقوع ندارد نیز از آن استفاده میکردند : اگر **خواستمی** باز **بگشتمی** که بدست من اندر مرده بود، چون نکشتم چنانست که زنده اش من کردم. (تاریخ بلعمی ، بلعمی : ص ۱۸۷)

اگر **دازستمی** که چنین چیز بینم و شنوم، او را اینجا **نیاوردمی**. (تاریخ سیستان ، تصحیح محمد تقی بهار : ص ۶۸)

در تمام متون بررسی شده ساختارهای شرطی نوع دوم و سوم به درستی رعایت شده و تنها در چند مورد اندک از قاعده تخلف کرده اند.

ساخت جملات با حروف ربط « اگر » و « یا »

در متون کهن « اگر » در معنی « فرض » به حرف ربط « یا » ، نزدیک بوده است که به همین دلیل گاه جای یکدیگر به کار میرفتند:

این نعمتها بر درجات است. این نعمت که با ما کرده است اگر با شما کرده است اگر آنک بازو کرده است؟ (اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید ، محمد بن منور : ص ۲۷۹)

ساخت جمله « اگر (جمله وابسته) + یا (جمله وابسته) + جمله هسته » تا قرن پنجم وجود دارد: اگر فراخی بود یا نعمت بسیار یا نرخ ارزان بود، شما را بهره بیشتر است که مرا. (تاریخ بلعمی ، بلعمی : ص ۳۵۴)

« یا نه » تا قرن پنجم به معنی « اگر نه » به کار میرفته و بعد از آن این ساخت فقط در اسرار التوحید نظیر دارد که محتملا چنین کاربردی از تأثیر گونه خراسانی است :

شما بر ما شوم آمدید از شهر ما بیرون شوید و یا نه هلاک شوید. (تاریخ بلعمی ، بلعمی : ص ۸۵۴)

اکنون این که گفتمی درست کن یا نه ترا عقوبتی هر کدام سخت تر بکنم. (قابوس نامه ، عنصرالمعالی : ص ۴۸)

گاه ساخت جمله « اگر ..... یا نه » در معنای « اگر .... اگر نه » بوده است: چون صوفی از کل عبارات ممنوع باشد عالم بجمله معبران وی باشد اگر دانند و یا نه. (کشف

المحجوب ، هجویری : ص ۴۸)

« یا » به معنای حرف ربط استثنای « مگر آنکه » نیز وجود داشته است:

و پسر کاکو که امروز ولایت سپاهان و همدان و بعضی از جبال وی دارد، مخالفی داهی است و گریز، هم مال دارد و هم رزق و حیلت و مکر تا دندان بدو نموده نیاید چنانکه سزای خویش ببند و بر نعمت ولایت نماند و یا سر بر خط آرد و پسر بدرگاه فرستد. (تاریخ بیهقی، ص ۶۲۰)

علاوه بر جمله‌هایی که در آن «یا» در معنای «اگر» بوده است، جمله با حرف ربط «اگر» را نیز به معنی «یا» به کار می‌بردند:

زمین گفت: یا جبرئیل از من خلقی آفرینند ندانم که فرمان برد او را اگر نه (تاریخ بلعمی، ص ۷۰)

«اگر» و «و اگر» به معنای «حتی اگر» در متون تا قرن هفتم وجود دارد:

تا چنان شد که ابراهیم بی مهمان طعام نخوردی و اگر دو روز بماندی گرسنه. (تاریخ بلعمی، ص ۱۹۹)

فضل گفت: دل مشغول مدار که من در ایستم و اگر جانم بشود. (تاریخ بیهقی، ص ۶۴۱)

و با آن کس همان کنم که با این سگ کردم اگر همه فرزندی برادر من باشد. (سیر الملوک، نظام الملک: ص ۷۸)

ساختارهای شرطی با دو حروف ربط

جملات شرطی با دو «اگر» نزدیک به معنی «یا... یا» است. تا قرن پنجم غالباً این گونه جمله‌ها فقط با دو جمله وابسته در معنی شرط ساخته می‌شده است:

اگر گوید: نگرده، محال باشد و اگر گوید: گردد، گوییم چون احتیاج آمد، اسم غنا ساقط شد. (کشف المحجوب، هجویری: ص ۳۳)

و م‌شافهه بی دیگر است با وی در بابی مهتر که اگر اندر آن باب سخن نرود عرضه نکند و پس اگر رود، ناچار عرضه کند تا اغراض بحاصل شود. (تاریخ بیهقی، ص ۲۵۸)

از قرن ششم به بعد بیش از دو جمله وابسته شرطی با حرف ربط «اگر» به کار می‌رفته است:

اگر بر دین اسلاف، بی ایقان و تیقن ثبات کنم همچون آن جادو باشم که بر ناپکاری مواطبت همی نماید و بتبع سلف رستگاری طمع دارد و اگر دیگر بار در طلب ایستم عمر بدان وفا نکند که اجل نزدیک است و اگر در حیرت روزگار گذارم فرصت فایت گردد. (کلیله و دمنه، نصرالله منشی: ص ۵۰)

گفت: «اگر ازین یکی به ده دینار خواهند بنفروشیا و اگر به بیست دینار خواهند بنفروشیا و اگر به سی دینار خواهند...» اینجا بایستاد. (اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید، محمد بن منور: ص ۱۵۴)

ساخت «اگر + جمله مثبت + اگر + جمله منفی / اگر نه»  
شاید بتوان گفت ساختار «اگر (جمله وابسته) + جمله هسته + اگر (جمله وابسته در شکل منفی) + جمله هسته» شکل کهن تری از ساختار جمله ربطی با حرف ربط استدراک «اگر نه» است که به مرور زمان حرف شرطی «اگر» از جمله اول حذف شده است.  
وعده کردشان که اگر برادر را با خویشتن بیارید یک خروار گندم بیشتر دهم و درم باز دهم و اگر نیارید، نه گندم دهم و نه بار. (تاریخ بلعمی، بلعمی: ص ۳۰۵)  
علاوه بر آن، ساخت «اگر (جمله وابسته) + جمله هسته + اگر نه (جمله وابسته) + جمله وابسته» ساختی کهن است. این ساخت در قرن چهارم و پنجم شایع است و از قرن ششم کمرنگ میشود:  
اگر از بی هنری و بی خردی، نان و نام بدست توانی آوردن پس بی هنر و بی خرد باش و اگر نه هنر آموز. (قابوس نامه، عنصرالمعالی: ص ۳۳)  
از نیمه دوم قرن پنجم ساخت «اگر (جمله وابسته) + جمله هسته + و آلا + جمله» را هم به کار می بردند:  
اگر از تو کار بستن خیزد خود پسندیده آمد و آلا من آنچه شرط پدری بود بجای آورده باشم. (قابوس نامه، عنصرالمعالی: ص ۴)  
اگر جمله حق را بود گفتند و آلا خاموش بودند. (کشف المحجوب، هجویری: ص ۵۲۲)  
علاوه بر آن ساخت «اگر (جمله وابسته) + اگر نه (جمله وابسته) + جمله هسته»، تا قرن هفتم وجود دارد:  
برخیز و سوی او شو و دختر بخواه و اگر دهد و اگر ندهد، آنجا همی باش. (تاریخ بلعمی، بلعمی: ص ۲۶۳)  
تو و مانند تو اگر در خدمت باشی و اگر نباشی، می شاید. (سیر الملوک، نظام الملک: ص ۳۷)  
از نیمه دوم قرن پنجم، نشانه های استفاده از حرف ربط «و آلا» را می بینیم. ساختار جمله با حرف استدراک «اگر نه / و آلا» که جمله همپایه می سازد، در واقع همان ساخت «اگر + فعل منفی» است که فعل به قرینه لفظی حذف شده است و سه نوع ساخت با معنای متفاوت دارد:  
۱. شرطی که در آینده اتفاق می افتد:  
خراج بفرست چنانکه جمله عالم میفرستد و مخالفت مکن و اگر نه حرب مرا بیارای. (تاریخ بلعمی، بلعمی: ص ۶۹۳)  
مردی هولناک دیدم که بیرون آمد پذیره من و گفتم بازگرد و اگر نه هم اکنون هلاک گردی. (تاریخ سیستان، تصحیح محمد تقی بهار: ص ۶۳)

خداوند را - تعالی - باش و **اگر نه** خود مباش یعنی به حق باقی باش یا از وجود خود فانی. (کشف المحجوب ، هجویری : ص ۱۶۶)

طریق تنعم است چنانکه در رسم است یک ساعت بیاسایند و **اگر نه** با کسی که وقت ایشان با وی خوش بود بخلوت همی باشند. (قابوس نامه ، عنصرالمعالی : ص ۹۳)

۲. اگر نه در معنای حال غیر ممکن:

و از آن من آسان است که بر جای دارم و **اگر ندارمی**، تاوان **توانمی داد**. (تاریخ بیهقی ، بیهقی : ص ۴۰۸)

گفت برو که چون شما را و پادشاه را من میدارم که **اگر** من نیستی **دیرستی** تا مغزهای شمان کرکسان **خورده اندی**. (سیر الملوک ، نظام الملک : ص ۳۸)

و **اگر نه** سبب تو **بودی** هم با کسی **نگفتمی**. (اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید ، محمد بن منور : ص ۸۳)

۳. اگر نه در معنای گذشته غیر ممکن:

این جمله از نظر ساخت مانند جمله شرطی «اگر» درباره گذشته ای است که اتفاق نیفتاده است: [پس گفت: لولا آن رای برهان ربه (یوسف/۲۴)] گفتا: **اگر نه** آن **بودی** که یوسف برهان خدای تعالی **بدیدی**. (تاریخ بلعمی ، بلعمی : ص ۲۸۰)

(حمزه) یارانرا گفتی که ایزد تعالی ناصر دین محمدست **یا نه** ما را چه یارگی **بودی** که این **بکردی**، بشکر باید شد. (تاریخ سیستان ، تصحیح محمد تقی بهار : ص ۱۷۰)

پیر بوعلی گفت: شیخ ما را وانمود و **اگر نه** دمار از ما بر آمده **بودی**. (اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید ، محمد بن منور : ص ۱۶۸)

و در امام اعظم بوحنیفه کوفی رضی الله عنه سخن میگویند که **اگر نه** او را اجتهاد **بنمودی**، در همه جهان که مسئله **بگشودی**. (راحة الصدور و آیه السرور ، راوندی : ص ۱۴)

لازم به ذکر است که در قرن چهار و اوایل پنج « و اگر نه » به معنی «به غیر از آن» بکار رفته که در دوره های بعد این طور نیست:

چون سیف ذی یزن بملک بنشست از حبشیان هیچ کس را دست باز نداشت مگر پیران و کودکان خرد که سلیح بر نتوانستند داشتن و زنان، **اگر نه** دیگران را همه بشمشیر بگذاشت (تاریخ بلعمی ، بلعمی : ص ۱۰۳۶)

ساخت « اگر + جمله وابسته بدون هسته + اگر نه + جمله »

ساختار دیگری نیز از دو وابسته با حرف ربط « اگر » وجود دارد که کهن تر بنظر می رسد و تا قرن پنجم و بسیار اندک در اوایل قرن ششم امتداد می یابد که جمله ربطی اول با اگر، بدون جمله

سیر تحول ساختارهای ربطی با حروف «اگر، مگر و اگر نه» تا قرن هفتم به منظور تشخیص سبک متون منثور در قرون مختلف/۱۰۷

هسته است و جمله دوم ربطی با اگر بصورت منفی است که گویانوعی الزام و تأکید در جمله اول وجود دارد. البته می توان این دو جمله را به صورت «یا...یا» نیز در نظر گرفت:

شاپور بروم کس فرستاد که من با شما صلح کردم که اعراب را در میان خویش جای ندهید اگر بیرون کنید و اگر نه حرب را بیارایید. (تاریخ بلعمی ، بلعمی : ص ۹۱۵)

اگر به حق زندگانی توانی کرد و اگر نه دین خود را صیانت باید کرد. (کشف المحجوب ، هجویری : ص ۷۳)

اگر زن را بیرون فرستی و اگر نه هم اکنون بدرگاه معتصم رویم و تظلم کنیم. (سیر الملوک ، نظام الملک : ص ۷۵)

ساختار مگر... و اگر نه

این ساخت احتمالاً از اواخر قرن پنجم به وجود آمده:

قوم او گفتند حدت نظر او مگر خللی پذیرفته و الا درخت چگونه رود؟ (تاریخ جهانگشای جوینی ، جوینی، ج ۱ : ص ۷۸)

پدر و دختر گفتند: مگر اختر سعد عنان عاطفت پادشاه سوی ما منعطف کرد... و اگر نه شیر گو سفندان که دیروز از مجری عادت منقطع بود، اعادت آنرا موجب چه با شد؟ (مرزبان نامه ، سعد الدین ورامینی : ص ۶۴-۶۵)

در این ساخت حرف ربطی «مگر» برای تقویت حرف ربط «و گرنه» استفاده شده است و در معنی احتمال و شک است.

ساختار شرطی «اگر(جمله وابسته)+ (تا)جمله هسته»

در دستور زبان معاصر جمله هسته غالباً بدون حرف ربط می آید ولی در زبان سنتی جمله هسته با «تا» نیز می آمده است. البته در این ساخت، تا به معنای «پس/در نتیجه» است:

گفت اگر گرسنه تا ترا سیر کنم و اگر برهنه تا ترا بیوشانم. (تاریخ بلعمی ، بلعمی : ص ۵۵۴)

اگر رای عالی بیند تا بنده بدرگاه میآید و خدمتی میکنند. (تاریخ بیهقی، بیهقی، شرح خلیل خطیب رهبر، ص ۵۴)

اگر رغبتی هست تا ساعتی بمناولت آن تزجیه روزگار کنیم. (مرزبان نامه ، سعد الدین ورامینی : ص ۲۲۷)

در قرن هفتم و پس از «مرزبان نامه» این ساخت بسیار کم رنگ می شود.

ساختار «اگر(جمله وابسته)+ باری(جمله هسته)»

این ساختار از کهن ترین متون تا قرن هفتم وجود دارد. باری، گاه در معنای تقابل و گاه برای شرح جمله قبلاست:

بر آن عالم واجبست او را پند دادن... اگر نتواند از آن معصیت بازداشتن، باری تواند نصیحت کردن. (تاریخ بلعمی، بلعمی: ص ۷۷۸)

اگر همه بیتها را به وجهی تفسیر توان کرد و عذری توان نهاد، این بیت باری از آن جمله است که هیچ وجه نتوان نهاد. (اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید، محمد بن منور: ص ۷۶)

اگر دولت یار با شد خود بچوگان توفیق، گوی مراد ربودیم و اگر سعادت مساعدت نماید نشانه ملامت مردمان و بندگان، باری نگردیم. (تاریخ جهانگشای جوینی، جوینی، ج ۲: ص ۱۰۷)

دو ساختار «اگر... نیز» و «اگر... هم» به معنی «حتی اگر»، تا قرن پنجم و بسیار اندک تا اوایل قرن ششم در زبان فارسی وجود دارد که در قرن ششم در معنای تأکید شرط است.

او را گفتند اگر نیز تو این کار نکردی این کودک هم پادشاهی را نشایستی تا بدین سن نرسیدی و این فرهنگ نیاموختی. (تاریخ بلعمی، بلعمی: ص ۶۹۱)

اگر خداوندشان عبایی داده است پوشیده اند و اگر قبایی داده است هم پوشیده اند و اگر برهنه داشته است هم بوده اند. (کشف المحجوب، هجویری: ص ۷۱)

بعد از قرن ششم این ترکیب تبدیل به ساختار «اگر(جمله وابسته)+ «همانا» یا «هر آینه(جمله هسته)» می شود:

اگر غفلتی ورزد و زخم گاهی خالی گذارد هر آینه کمین دشمن گشاده گردد. (کلیله و دمنه، نصرالله منشی: ص ۱۹۱)

ساخت «اگر(جمله وابسته)+ مگر(جمله هسته)» این جمله، نوعی شرطی است که در آن بر عدم قطعیت جمله هسته تأکید میشود و تا اوایل قرن ششم وجود دارد:

بر خشک اگر واقعه ای بیفتد که مال بشود مگر جان بماند. (قابوس نامه، عنصرالمعالی: ص ۱۷۱)

مگر در زبان فارسی هم حرف اضافه به معنی استثنا «مگر، به جز» است و هم حرف ربط. در فرهنگ دهخدا مگر در معنی کلمه استثنا و نیز «آلّا، جز آنکه» است و در مقام شکو تردید و تمنی به کار می‌رود.

در آثار نثر بررسی شده در این مقاله حرف پیوند «مگر» از ابتدا هم در معنای بیم و امید و هم در معنای قطعیت به کار رفته است.

۱. در معنای قطعیت و یقین:

چون گوشت در تابه کرد مگر بطلب پاره ای نمک شد. (سیر الملوک، نظام الملک: ص ۱۴)

**مگر** پادشاه شهر پسری داشت که چشم و چراغ جهانیان بود و پدر جهان بچشم او دیدی. (مرزبان نامه ، سعد الدین ورامینی : ص ۱۴۷)

بعد از قرن چهارم « مگر » در معنی یقین، بیشتر درباره گزارش یک رویداد است.

۲. در معنای بیم و امید :

آقای ماهیار نوابی در کتاب خویش درباره حرف «مگر» معتقد است که فرهنگ نویسان معنی ضمنی این واژه را در نظر گرفته اند و به درستی آن را معنی نکرده اند و معنای شک و آرزو، برداشتی غیر دقیق است که ایشان از متن داشته اند. وی این کلمه را ساخته از «مه» به معنی نفی و «اگر» به معنی شرط دانسته و معتقد است که این واژه به معنی: حتماً، به درستی که، هر آینه و ... است و نه شک و تردید. سپس بر اساس توضیح خود، ابیات را بازبینی نموده است. (مجموعه مقالات ، ماهیار نوابی : ص ۴۲۵) سخن آقای نوابی در پاره ای از نمونه ها صواب است اما در زبان فارسی از قدیمی ترین متون « مگر » در معنای احتمال و آرزو نیز به کار رفته است و این معنا فقط بر ساخته نظر غیر دقیق فرهنگ نامه نویسان نیست؛ مانند این جمله از تاریخ بلعمی که « مگر » در ترجمه « عسی » آمده است:

ف صبرٌ جمیلٌ عسی الله أن یأتینی بهم جمیعاً (یوسف/۸۳): شکیبایی کنم نیکو، مگر خدای تعالی این فرزندان را باز من آورد. (تاریخ بلعمی ، بلعمی : ص ۳۱۵)

مگر در جمله پرسشی در واقع نوعی از همین ساخت و نشانه تردید گوینده است:

مگر خواهی که از گور هود پرسی؟ (تاریخ بلعمی ، بلعمی : ص ۱۶۶)

مگر بر ملک قناعت و کفایت زیادت طلبیدی و دستت تعرض بگرد کرده و اندوخته دیگران یازیدی؟ (مرزبان نامه ، سعد الدین ورامینی : ص ۲۳۸)

۳. علاوه بر دو معنی که ذکر شد، « مگر » در معنای « به جز آنکه/فقط » نیز از متون کهن وجود داشته است:

چهل شبان روز اندر آن بماند و سر برداشت مگر که هی گریست. (تاریخ بلعمی ، بلعمی : ص ۵۵۳-۵۵۴)

و کار شبیخون که پلنگ تقریر میکند، مرتکب آن خطر و مرتقب آن ظفر نتوان شد مگر آنکه خصم از اندیشه او عاقل و ذاهل باشد. (مرزبان نامه ، سعد الدین ورامینی : ص ۵۰۰-۵۰۱)

نزدیک به ساخت « مگر »، جمله با « آلا » است که غالباً با یک حرف ربط دیگر تقویت می شده و در تاریخ بلعمی و سیستان به کار رفته است و در دوره های بعد بسیار محدود استفاده کرده اند: وانگاه آن را مدینه العذرا گویند که هرگز هیچ کس نتوانست آن راستدن آلا تا بدادند. (تاریخ سیستان ، تصحیح محمد تقی بهار : ص ۱۱)

راستی شمشیر خدای است - عزوجل - اندر زمین و بر هیچ چیز نیاید الا که آن را ببرد. (کشف المحجوب، هجویری: ص ۱۵۵)

ساختار «اگر (جمله وابسته) + «پس» یا «آخر» یا «آنگاه» (جمله هسته) اگر جمله شرطی درباره یک فرض و نتیجه آن باشد از این ساختار شرطی بهره میبردند که در قرن چهارم و پنجم از «اگر (جمله وابسته) + آنگاه / پس (جمله هسته)» استفاده میکردند: اگر باز گردم یا صلح کنم آنگاه علف تو بپذیرم. (تاریخ بلعمی، بلعمی: ص ۱۰۳۰) اگر بی فرمان خداوند جنگ کردیمی، پس هر یکی خداوندی بودیمی نه بنده. (سیر الملوک، نظام الملک: ص ۱۴۴)

از قرن ششم به بعد ساخت «اگر (جمله وابسته) + آخر/البته (جمله هسته)» را می آورند: اگر جبلت زیرک مثلاً بر خلاف این باشد آخر حفظ مصلحت پادشاهی را که بنیاد آن بر رعایت رعیتست، جور دیگران ما را باز دارد. (مرزبان نامه، سعد الدین ورامینی: ص ۴۲۲) اگر جرمی بود که موجب قصاص باشد یا بخلل ملک تعلق دارد، البته از آن در نگذرد. (مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد، نجم رازی: ص ۳۹۹)

### نتیجه

در این مقاله سیر تحول حروف «اگر» و «اگر نه» و «مگر که» تا قرن هفتم هجری و ساختار جمله‌ها با این حروف، مورد بررسی قرار گرفته است. با پژوهش در متون منتخب مشخص شد که جمله مرکب با حرف ربط «اگر» با توجه به زمان افعال آنها، سه نوع ساخت: حال ممکن («بن مضارع+شناسه+ضمیمه تصریفی ی») در قرن چهارم و «ضمیمه تصریفی می+بن مضارع+شناسه» از قرن پنجم به بعد، حال غیر ممکن (بن ماضی+شناسه+ضمیمه «ی») در قرن چهارم و «می+بن ماضی+شناسه» از قرن پنجم به بعد، و گذشته غیر ممکن) داشته است. حرف «اگر» معنایی نزدیک به حرف ربط «یا» داشت و این دو حرف در بسیاری موارد به ویژه تا قرن پنجم به جای یکدیگر به کار میرفتند. حرف «اگر نه» نیز سه نوع ساخت (آینده، حال غیر ممکن و گذشته غیر ممکن) همانند ساخت جملات با «اگر» داشت که زمان فعلها با توجه به معنی متفاوت است و نویسندگان به تفاوت معنایی این ساختها آگاه بودند و آنها را کاملاً رعایت میکردند. علاوه بر آن، آشکار شد که حرف «مگر» هر چند از ابتدا معنای شک و تردید را میرسانده است ولی در قرن چهارم و پنجم بیشتر مفهوم قطعیت و یقین داشت و از آن پس معنای شک و تردید پررنگتر میشود. همچنین در این مقاله ساختارهای ربطی با دو حرف ربط آمده است که بعضی از این ساختارها، در کتابهایی که به دستور تاریخی زبان پرداخته اند، معرفی شده بودند و در این مقاله زمان استفاده از آنها تعیین شده است، مانند ساخت جمله «اگر+جمله وابسته بدون هسته+اگر نه+جمله» که فقط در قرن چهارم و

پنجم و به مقدار بسیار اندکی در ابتدای قرن ششم در متون دیده می‌شود و بعضی ساختها مانند: «مگر+جمله هسته+و اگر نه+جمله» و یا «اگر+جمله وابسته+تا/البته/هر آینه+جمله هسته» که معرفی و تعیین زمانی شده اند.

### فهرست منابع

۱. اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید، محمد بن منور(۱۳۸۸)، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی چاپ هشتم، تهران، آگاه.
۲. تاریخ بلعمی، بلعمی، ابو علی محمد بن محمد(۱۳۴۱) به تصحیح محمد تقی بهار، به کوشش محمد پروین گنابادی، تهران، وزارت فرهنگ.
۳. تاریخ بیهقی، بیهقی، خواجه محمد بن حسین (۱۳۸۱)، شرح خلیل خطیب رهبر، چاپ هشتم، تهران، مهتاب.
۴. تاریخ سیستان، بی نام (۱۳۱۴)، مصحح محمد تقی بهار، تهران، زوآر.
۵. تاریخ جهانگشای جوینی، جوینی، عطا ملک محمد(۱۳۸۵)، چاپ چهارم، تهران، دینای کتاب.
۶. تاریخ زبان فارسی، ناتل خانلری، پرویز (۱۳۶۵)، جلد سوم، تهران، نشر نو.
۷. چهار مقاله، نظامی، احمد بن منور (۱۳۸۲)، تصحیح محمد قزوینی، به کوشش محمد معین، چاپ دوازدهم، تهران، صدای معاصر.
۸. دستور تاریخی مختصر زبان فارسی، ابو القاسمی، محسن (۱۳۷۷)، چاپ اول، تهران، سمت.
۹. دستور توصیفی بر اساس واحد های زبان فارسی، وفایی، عباسعلی(۱۳۹۲)، چاپ اول، تهران، سخن.
۱۰. دستور زبان فارسی (۱)، وفایی، عباسعلی (۱۳۹۵)، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی.
۱۱. دستور زبان فارسی(کتاب حروف اضافه و ربط) خطیب رهبر، خلیل(۱۳۶۷)، چاپ اول، تهران، سعدی.
۱۲. دستور زبان مختصر تاریخی زبان فارسی، فرشید ورد، خسرو(۱۳۸۷)، چاپ اول، تهران، زوآر.
۱۳. دستور مفصل امروز، فرشید ورد، خسرو (۱۳۸۲)، چاپ اول، تهران، سخن.
۱۴. راحة الصدور و آية السرور، راوندی، محمدبن علی(۱۳۸۵)، سعی و تصحیح محمد اقبال، تهران، اساطیر.
۱۵. سفرنامه ناصر خسرو، ناصر خسرو قبادیانی مروزی(۱۳۸۹)، تصحیح محمد دبیرسیاقی، چاپ دهم، تهران، زوآر.
۱۶. سیر الملوک(سیاست نامه نظام الملک، حسن بن علی(۱۳۷۸))، به اهتمام هیوبرت دارک، چاپ چهارم، تهران، علمی و فرهنگی.
۱۷. فعل و گروه فعلیتحول آن در زبان فارسی، فرشید ورد، خسرو (۱۳۸۳)، چاپ اول، تهران، سروش.
۱۸. قابوس نامه، عنصرالمعالی، کیکاوس بن اسکندر(۱۳۹۰)، به تصحیح علامه حسین یوسفی، چاپ هفدهم، تهران، علمی و فرهنگی.
۱۹. کشف المحجوب، هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان(۱۳۸۶)، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمود عابدی، چاپ سوم، تهران، سروش.

۲۰. کلیله و دمنه، منشی، ابو المعالی نصر الله (۱۳۷۱)، ، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی طهرانی، تهران، امیرکبیر.
۲۱. گلستان، سعدی شیرازی، مشرف الدین مصلح بن عبدالله (۱۳۷۷)، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، چاپ پنجم، تهران، خوارزمی.
۲۲. مجموعه مقالات، ماهیار نوابی، یحیی (۱۳۷۷) ، اهتمام محمود طاووسی ، چاپ اول، شیراز، نوید شیراز.
۲۳. مرزبان نامه، سعد الدین ورامینی (۱۳۸۸)، بکوشش خلیل خطیب رهبر، چاپ چهاردهم، تهران، صفی علیشاه.
۲۴. مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد، نجم رازی، عبد الله بن محمد (۱۳۹۱)، به اهتمام محمد امین ریاحی، چاپ پانزدهم، تهران، علمی و فرهنگی.
۲۵. نفثه المصدر، نسوی، محمد بن احمد (۱۳۸۵) تصحیح امیر حسین یزد گردی، چاپ دوم، تهران، توس.